

## کمکها و حاتم بخشیهای غرب

از مسائل چشمگیری که «قیافه انسانی خاصی» را به زندگی غرب داده کمکهای بظاهر بلاعوض، و کمکهای با عوض، و قرصه ها و همکاریهایی اقتصادی و تجاری است که به منظور جبران عقب ماندگی کشورهای عقب مانده، و تسریع رشد کشورهای در حال رشد انجام میشود.

اما اگر در «شرایط» و «ماهیت» و «ناتج» این کمکها و همکاریهایی دقت کنیم خواهیم دیدیکی از ضد انسانی ترین و ظالمانه ترین اعمال آنها همینهاست.

امروز بودجه بسیاری از کشورهای غربی (البته منظور از غرب در این سلسله مقالات همانطور که در گذشته نیز یادآوری کردیم همه کشورهای صنعتی اروپا و آمریکاست) بدون محصور می با ارقام درخت مربوط به کمک به کشورهای در حال رشد، و عقب افتاده دیده میشود که در بدو نظر محسین هر کس را در برابر این سببها و تهاوی بیدریغ و حاتم بخشیهایی که گاهی تا سرحد «اسراف» پیش میرود، بر می انگیزد.

مماثلت غربی باتمام وسائل مایهاتی خود گوش جهانیان را بر میکنند که ماکتور های پیشرفته صنعتی زکوة مال خود را «تام و تمام» به شرق میدهند و از «بابت» این وظائف بزرگ و انسانی که در پیشگاه تاریخ و بشریت داریم چیزی بدفکار نیستیم! «ولاد شرقیها نیز به حکم وجدان و ضرورت موظفند این «حاتم صفتان» را لاف از دعای خیر فراموش نکنند! چه گشته کار دیگری از مستحسان ساخته نیست!

ولی ضروری ندارد چند لحظه عینک خوش ناپوری را که از نتایج نوم خود باختگی در برابر غول صنایع غربی است، از چشم برداریم، و کمی در باره ماهیت و شرائط و نتایج این کمکهای بیدریغ، آزانانه بررسی کنیم!

اما در مورد کمکهای بدون عوض که مصداق باره «زرگواری» غربهاست بزرگی به مسائل وحشت آور زیر بر خورده میکنیم:

۱- این کمکها معمولاً اختصاص به کشورهای دارد که با آنها «روابط حسنه» داشته باشند، و البته مندا لته روابط حسنه آن است که از نظر يك فردی طرفه واقع بین «حسنه» باشد بلکه باید از دریچه چشم غرب «حسنه» دیده شود، و اگر بخوایم این حقیقت را بریان نروند در از عبارات رنگین دیپلماتیک ادا کنیم باید بگوئیم: این کمکها مخصوص کشورهای است که غرب در آنجا ماضی دارد، و وجود این «کمکها»

کمکی به حفظ آن مافع میکند و بالااقل چنین چشم داشتی را میتوان برآی آینده داشت .

۲ - معمولاً این کمکهایی باعوض یا یک سلسله تحصیلات سیاسی همراه است که گاهی کمزور آنرا تا هفت نسل بعد هم نمیتواند بدهند ، مخصوصاً در کشورهای ضعیف گاهی چنان این عوضهای سنگین سیاسی در برابر آن کمکهایی بدون عوض روشن و آشکار است که قیافه ناشرافتمندانه و زنده آنرا بهیچوجه نمیتوان پوشانید .

۳- معمولاً این کمکها سورت «ارمک دست دادن» یا دست دیگر گرفتن» دارد ، زیرا قسمت مهمی از آن از طریق خانوادههای هنگفت کارشناسان و جواسطخانه ها ، مستهکک میشود (۱) و قسمتی را هم از طریق «مصنوعات تازه و گرافیکیت» تحویل میدهند ، تازه در بسیاری از موارد که مصنوعات نسبتاً مرغوب تحویل میدهند مسیر خاصی برای مصرف آن تعیین میکنند که مثلاً این کمک بدون عوض باید صرف توسعه فلان پایگاه و فلان بندر و فلان تکنیکات گردد وگرنه قطع خواهد شد (توجههای زیادی از این موضوع را در کشورهای آسیائی و آفریقائی میتوان پیدا کرد.)

۴- اینکهدر بعضی است هرملتی بهیارمندیهای خود و درجه اهمیت آنها بیش از همه کسی واقف است و برای تعیین این موضوع احتیاج به «قیم» ندارد ، آیا یک کمک شرافتمندانه و بدون نظر مغول است یا شرافتمندی در باره نحوه مصرف آن همراه باشد ؟

۵ - گاهی منظور از این کمکها ایجاد رقابتهای غلط در میان کشورهای توسعه نیافته و بدین استفاده های کلان از این میرا است ، زیرا آنها با کمک به یک کشور (مخصوصاً کمکهایی نظامی ) کشورهای همسایه را مجبور به تهیه تجهیزات مشابه میسازند ، و از این راه بازار داخلی برای عرضه داشتن مصنوعات گوناگون خود بوجود می آورند ، واین طریق میتواند مصنوعات خود را با قیمت و شرائط سنگینی به فروش رسانند ، همانطور که در سابقه سابقهانی بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی دیده میشود .

۶ - بسیاری از این کمکها از درآمد ملی و واقعی کشورهای صنعتی نیست ، بلکه صورت واقعی آن گرفتن از یک کشور و دادن به کشور دیگر دارد . این حقیقتی است که در کنفرانس اقتصادی که اخیراً در دهلی نو تشکیل گردید و بسیاری از حقایق در آن گفته شد افشا گردید .

توضیح اینکه : قسمت مهمی از این کمکها باین صورت است که کشور کمک کننده برای کمکهایی خود پول بیشتری در گردش وارد میکند و بر اثر ایجاد تورم

۱- ارقام حقوق این کارشناسان به اندازه های بزرگ است که انسان را دچار حیرت میکند طبق گزارشها تنها در یک روز از کشورهای کوچک آسیائی سالی ۵۰۰ میلیون تومان حقوق و مزایای کارشناسان خارجی است ! (خواندنیها شماره ۸۶)

پولی قیمت اجناسی خود را عملاً بالا میبرد ، در نتیجه دیگران مجبور میشوند قیمت بیشتری در برابر این اجناس بپردازند ، این تفاوت معادل همان مبلغی است که کشور صنعتی مزبور به یک مملکت توسعه نیافته کمک کرده است و این مسدوق روش همان مثال معروف «بخشیدن از کیسه خلیفه» میباشد .

اما در مورد کمکهایی باعوض علاوه بر وجود غالب این اشکالات ، اشکال بزرگتری هست که از همه نا راحت کننده تر میباشد و آن اینکه ؛ روز بروز پشت ممالک توسعه نیافته زیر بار این کمکها خمیده تر میشود ، و عجیب این است که این کمکها نه تنها فاصله ممالک باصلاح توسعه یافته ، و توسعه نیافته را کم نمیکند بلکه سال سال فاصله آنها را بیشتر میسازد ، همانطور که نماینده ایران در کنفرانس اقتصادی دهلی توضیحاً باین حقیقت اشاره کرد .

یکی از دانشمندان می نویسد : در سال ۱۹۶۳ کشورهای در حال توسعه جمعا سست مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار از باب اصل و فرع قرضه های خود به کشورهای صنعتی بپردازند ، مقایسه این مبلغ با رقم سال قبل شان میدهد که بدهی این کشور ها تنها از همان باب در طرف یک سال ۶۹ در صد افزایش یافته است (۱) .

\*\*\*

اکنون باید چند دربار این وضع خطرناک چه باید کرد ؟ در اینجا وظیفه های شرقیها دارنومسئولیتی غربیها .

اما شرقیها نباید هرگز بطور انفرادی در گرفتن این کمکها با ممالک صنعتی وارد مذاکره شوند ، هر قدر شرائط آن بظاهر سهل و آسان و کمک سورت رایگان داشته باشد ، بلکه همه و بالااقل کشورهای یک منطقه بسورت یک واحد بزرگ با آنها رویرو شوند ، تراخیز استجورت تمام بخشیهایی گذشته دامنگیر آنها خواهد شد .

توسعه شرافتمندانه ای که بهر حال بحال غرب نیز مفید خواهد بود انجام دهند نباید هر یک مستقیماً با ممالک شرقی رویرو شوند و شرائط خاصی با آنها تحصیل کنند و هزار گونه اغراض خود خود را از طریق این کمکها عملی سازند بلکه از طریق تشکیل یک صندوق بین المللی نظری این کمکها طبق مانه صحیحی و بدون چشم داشت هیچگونه امتیاز سیاسی ، به نسبت نیازمندیها تحویل کشورهای توسعه نیافته داده شود .

ولی بدبخانه ممالک شرقی آمادگی آنچنان اتحادی را دارند و نه کشورهای صنعتی غرب این حسن نیت و نظری .

(باز هم در فرصت مناسبی در این باره مشروحتر سخن خواهیم گفت )

۱- مسائل کشورهای آسیائی و آفریقائی - صفحه ۲۷۰